

Analysis of the semiotics of the evolution of socio-cultural meaning of the urban houses of Hamedan in the three periods of Qajar, Pahlavi and contemporary

Mohammad Reza Afshari Basir

PhD Student, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.


m_afsharbasir@yahoo.com

 0000-0002-7028-8367

Manoucheher Foroutan

Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Corresponding author).


manoucheher.foroutan@gmail.com

 0000-0002-2793-6912

Mohammad Mehdi Soroush

Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

goodarzisoroush@gmail.com

 0000-0001-8635-6996

Abstract

House is a complex concept and as an institution with multidimensional function affected by society, culture, religious rituals, economy and environmental conditions, it belongs to the world of concepts and meanings, and if the people who live in it can understand the meaning that governs it, they can relate to it. Create a better communication environment. Unfortunately, nowadays, with the advent of modernity, the house is viewed as a device with a temporary function, and this has caused the house to take on a new meaning. In this research, semiotics, which is one of the methods of social science approach that pays more attention to the cultural and social aspects of the house, has been chosen. The present research is an effort in the direction of the relationship between semiotics and architecture, which seeks to explain and read the social-cultural meaning of the house based on semiotic theories, which seeks to analyze texts as structured wholes and in search of hidden and implied meanings. This research is based on the interpretative epistemological system, and in terms of the results, it is descriptive-analytical. The purpose of this research is to develop a conceptual model for the proper reading of the house text with the method of layered semiotics and to examine the evolution of the socio-cultural meaning of the urban house. The results of the research show that the house is a text that consists of a set of multiple layers of meaning that affect each other. The socio-cultural semantic transformation has not happened in all the spaces and activities of the house in the same way, so that in some spaces, the meaning of the house has completely changed. In some spaces, along with the past meaning, the new meaning has found a new form, and in others, the same past meaning is current in the spaces.


Keywords: Socio-cultural meaning, semiotics, urban houses, Hamadan city.

واکاوی نشانه‌شناسی تحول معنای اجتماعی - فرهنگی خانه‌های شهری همدان در سه دوره قاجار، پهلوی و معاصر

محمد رضا افشاری بصیر

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.


m_afsharbasir@yahoo.com

 0000-0002-7028-8367

منوچهر فروتن^۱

استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).


manoucheher.foroutan@gmail.com

 0000-0002-2793-6912

محمد مهدی سروش

استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

goodarzorush@gmail.com

 0000-0001-8635-6996

چکیده

خانه به‌عنوان نهادی با عملکرد چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی به دنیای مفاهیم و معانی تعلق دارد. امروزه با دستیابی بشر به فناوری اطلاعات و پیشرفت در زمینه‌های ارتباطات و رایانه، تحولاتی را در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ داده است که مهم‌ترین آنها بحران فرهنگی و بحران هویت و معناست و خانه نیز تحت تأثیر این عوامل، معنایی جدیدی به خود گرفته است. هدف این پژوهش، از نوع کاربردی و در جهت بررسی روند تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه از گذشته تا آینده و شناخت عوامل تأثیرگذار بر تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه می‌باشد. در این پژوهش، نشانه‌شناسی که یکی از روش‌های رویکرد علوم اجتماعی که بیشتر به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی خانه توجه دارد، انتخاب شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تحول معنایی اجتماعی - فرهنگی نیز در مورد همه فضاها و فعالیت‌های خانه به‌طور یکسان اتفاق نیفتاده است، به‌گونه‌ای که در برخی فضاها، معنای خانه به‌کلی تغییر کرده است. در برخی فضاها در

۱. نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

امتداد معنای گذشته، معنای جدید شکل تازه‌ای یافته است و در برخی دیگر همان معنای گذشته در فضاها جاری است.

کلیدواژه‌ها: معنای اجتماعی - فرهنگی، نشانه‌شناسی، خانه‌های شهری، شهر همدان.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



doi 10.22034/SCS.2023.374747.1380



مقدمه و بیان مسئله

معنا یکی از مهم‌ترین موضوع‌هایی است که امروزه در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی، پژوهش‌های زیادی را به خود اختصاص داده است، طوری که در حوزه معماری، جایگاه معنای و انتقال مفاهیم در حد و اندازه، فرم و عملکرد حائز اهمیت بوده است و شناخت بهتر آن زمانی ارزش بیشتری می‌یابد که علاوه بر بررسی عناصر و ویژگی‌های کالبدی معماری، معنای و مفاهیم برخاسته از آن نیز مورد واکاوی قرار گیرد. از طرفی با توجه به اهمیت پیدا کردن زبان به‌خصوص در ادبیات پسامدرن، معماری را به‌عنوان یک متن می‌دانند، متنی که کلمه‌های آن احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده بنا بوده است که ضمن وابستگی معنایی به هم، پیام خود را انتقال می‌دهند و با مخاطب خود به گفتگو می‌نشینند و مخاطب نیز به‌منظور برقراری ارتباط با طرح، به‌دنبال خوانش متن و کشف معنا می‌پردازد. امروزه با ظهور پدیده جهانی شدن، تحولاتی را در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ داده است و با شکستن مرزهای ساختگی و تسخیر جهان موجب ادغام نظام‌های معنایی، حذف بخش‌هایی از این نظام‌ها و در انتها اضافه شدن معناهایی که محصول نوسازی و جهانی‌شدن هستند شده است و این نظام‌های معنایی و هویت‌بخش را به سمت یکسان‌سازی با نمونه‌های مشابه در گوشه‌وکنار جهان هدایت کرده و موجب گسترش ارزش‌های عام و جهان‌شمول بر اساس فرهنگ جهانی نوسازی شده است. این امر نیز در معماری مدرن باعث نفی زبان معماری شده است، زبانی که طی تاریخ هم پای سایر جوانب تمدن انسانی تکوین یافته و نهضت معماری نوین با رویگردانی از آن، گویی واژگان زبان معماری را تا حد عناصر پایه تجسمی تقلیل داده است. خانه به‌عنوان مفهوم پیچیده و نهادی اجتماعی که بر زندگی ساکنان اثرگذار می‌باشد از لایه‌های معنایی مختلفی برخوردار می‌باشد که تحت تأثیر این عوامل، تحولات معنایی را به خود گرفته است. نشانه‌شناسی یکی از روش‌های رویکرد علوم اجتماعی، به‌دنبال واکاوی متون در حکم کلیت‌های ساختارمند و در جستجوی معنای پنهان و ضمنی است. مطالعات نشانه‌شناختی بر نظام قواعدی که بر گفتمان‌های درگیر در متون حاکم هستند، تمرکز دارد و به نقش بافت نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا تأکید می‌کند (چندلر، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر و در گام اول، به توصیف معنای اجتماعی -

فرهنگی خانه و مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن پرداخته و در گام بعدی، به تبیین مدل مفهومی در جهت خوانش معنا به روش نشانه‌شناسی پرداخته شده است.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

با تحولات و دگرگونی که در شیوه زندگی، تعاملات و ارتباطات اجتماعی، و فضای کالبدی رخ داده است، خانه نیز دستخوش تحولاتی قرار می‌گیرد. معماران این مرز و بوم باید برای این تحولات آماده بوده و گزینه مناسب را برای طراحی و ساخت بناهای امروزی بیابند. هدف این پژوهش بر پایه واکاوی نشانه‌شناسی که هر اثر معماری از جمله خانه به‌مثابه یک متن است، به جستجوی لایه‌های متفاوت تولید متن پرداخته تا مشخص شود که چگونه لایه‌های متن در سطوح مختلف رمزگانی به‌صورت هم‌زمانی و در زمانی با یکدیگر ارتباط داشته و می‌توانند یکدیگر را تقویت یا تضعیف نمایند و در نهایت بر اساس این روش به تبیین خوانش معنای اجتماعی - فرهنگی خانه دست یافت. در این پژوهش با بررسی روند تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه از گذشته تا آینده، عناصر مفید و کارآمد خانه‌های سنتی و نحوه دگرگونی آنها از گذشته تاکنون، عوامل تأثیرگذار بر تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه را شناخت.

در این پژوهش برای شناخت هر چه بیشتر این تحولات، سؤال‌هایی مطرح شده که پاسخ به آنها در شناخت و طراحی خانه امروزی بسیار مؤثر است، از جمله:

- معنای اجتماعی - فرهنگی خانه چه می‌باشد و چگونه می‌توان آن را فهمید؟
- چه تحولات معنایی اجتماعی - فرهنگی از خانه‌های شهری سنتی تا معاصر همدان صورت گرفته است؟
- در فرایند دستیابی به الگوی خانه امروزی، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

۲. پیشینه پژوهش

در میان نگرش‌های مختلف بررسی معنای خانه، چهار نگرش اصلی عبارت‌اند از: دیدگاه سنتی، حکمی، دیدگاه پدیدارشناسی، دیدگاه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم اجتماعی، دیدگاه گونه‌شناسی و اقلیمی می‌باشند.

جدول (۱): بررسی رویکردهای مطالعاتی به معنای خانه

رویکردهای اصلی به معنای خانه		
رویکرد	دیدگاه	نمونه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه
سنتی - حکمی	خانه محل اجماع ارتباط انسان با خدا - خود - طبیعت و دیگران تبییین و آشکارسازی ارزش‌های معنوی و ازلی خانه	حجت (۱۳۸۷) نگاهی معناگرایانه و انسان‌محور به خانه ایرانی دارد. او در کتاب «مجموعه گفتارهایی درباره خانه»، درباره خانه این‌چنین بیان می‌کند: انسان با چهار ارتباط مهم در زندگی روبه‌رو است: ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خودش، ارتباط انسان با طبیعت و ارتباط انسان با دیگران.
پدیدارشناسی	چیستی خانه هستی‌شناسی سکونت	هایدگر (۱۳۸۱) با زاویه نگاه یک فیلسوف به مسئله سکونت نگاه می‌کند، او توجه خاصی به مفهوم واقعی و چیستی خانه دارد. نوربرگ شولتز (۱۳۸۸) در کتاب «مفهوم سکونت به سوی یک معماری تمثیلی» درباره سکونت و مفهوم خانه اشاره نموده است. او در این کتاب به بررسی مفهوم سکونت و هستی پرداخته است.
علوم اجتماعی	چگونگی ارتباط بین انسان و محیط خانه نشئت گرفته از عوامل اجتماعی، فرهنگی نهادی با عملکرد چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی	کوپر مارکوس (۱۳۸۲) در مقاله «خانه، نماد خویشتن» با استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی یونگ با نگاه ژرف‌تر در رابطه روان انسان با محیط به‌ویژه خانه، در عمق روان انسان و در تاریخ، به ریشه‌دار بودن مفهوم نمادین خانه در روان انسان اشاره می‌کند. در اندیشه راپاپورت (۱۳۸۸) میل به اسکان گزیدن از ویژگی‌های زیربنایی رفتار انسان است. آموس راپاپورت با روش انسان‌شناسانه، چگونگی ارتباط بین انسان و محیط را مورد کاوش قرار داده است و معتقد است که نقش تعیین‌کننده فرم خانه از عوامل اجتماعی، فرهنگی نشأت می‌گیرد و این موضوع را به اثبات رسانده است.
گونه‌شناسی - اقلیمی	ساختار و حجم توده نگاه اقلیمی و زیست محیطی به خانه	معماریان (۱۳۸۷) نیز در دو کتاب خود با عنوان «آشنایی با معماری مسکونی ایران» در دو مجموعه گونه برون‌نگرا و گونه درون‌نگرا، به بررسی معماری مسکونی سنتی ایران پرداخته و خانه‌های سنتی ایران را بر اساس اقلیم و فرهنگ دسته‌بندی کرده است.

در زمینه پیشینه پژوهش، پژوهش‌های صورت گرفته را در دو قالب، پژوهش‌هایی که در مورد معنای خانه انجام گرفته و پژوهش‌هایی که در مورد نشانه‌شناسی معماری صورت گرفته دسته‌بندی نمود.

باتوجه به موضوع پژوهش در قالب معنای خانه، نگاه علوم اجتماعی بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. راپاپورت (۱۳۸۸) در کتاب «انسان‌شناسی مسکن» به مسکن و خانه پرداخته است. او با روش انسان‌شناسانه، چگونگی ارتباط بین انسان و

محیط را مورد کاوش قرار داده است. او معتقد است که نقش تعیین‌کننده فرم خانه از عوامل اجتماعی، فرهنگی نشئت می‌گیرد و این موضوع را به اثبات رسانده است. حائری (۱۳۸۸) پژوهش خود را تحت کتابی با نام «خانه، فرهنگ و طبیعت» منتشر کرد. در این پژوهش به شیوه زندگی و سازمان فضایی و نیز گونه‌شناسی خانه‌ها در شهرهای کاشان، رشت، کرمان، همدان و شیراز پرداخته شده است. قلیچ‌خانی (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود تحت عنوان «رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه ایرانی در عهد قاجار» به سیر تحول تاریخی خانه ایرانی در عهد قاجار می‌پردازد و با نگاهی همزمان به معماری و کالبد بنا و نیز تحولات اجتماعی و تاریخی ایران، این دگرگونی فضایی را پیگیری می‌کند و در پی آن است که سیر تحول و تأثیرپذیری خانه‌های این دوران را از هر آنچه بیرون کالبد بنا رخ می‌دهد، ترسیم نماید. آزاده آقالطیفی و وحید کلیائی (۱۳۹۷) در طرح پژوهشی مستندنگاری ابنیه مسکونی با رویکرد استخراج آموزه‌های معماری بومی و کاربرد آن در ساخت‌وسازهای معاصر به خوانش کالبد از دریچه فرهنگ زیست در خانه‌های تاریخی سنندج پرداخته‌اند و مباحثی همچون خانه، مسکن و فرهنگ زیستن را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

در قالب نشانه‌شناسی معماری نیز پژوهش‌هایی که صورت گرفته‌اند. در کتاب نگاهی به مبانی نشانه‌شناسی نوشته دانیل چندلر (۱۳۸۶) به تعاریف نشانه‌شناسی و شناخت آن پرداخته شده است. او در این کتاب، نشانه‌شناسی را یکی از روش‌های تحلیل متن می‌داند و سپس به تحلیل محتوایی و تحلیل نشانه‌شناسی اشاره می‌کند و نیز به ارتباط آن با زبان‌شناسی می‌پردازد. آکو (۱۹۷۹) در کتاب «نشانه‌شناسی» به موضوع نشانه‌شناسی معماری پرداخته است. او در این کتاب، در زمینه عام نشانه‌شناسی را در معماری بدین‌صورت مطرح نمود که ارتباط میان فرم اثر معماری و کارکرد آن، فرایندی ارتباطی است. این فرایند ارتباطی همانند سایر فرایندهای ارتباطی قابل تحلیل نشانه‌شناسانه است. نشانه‌ها با هدف دلالت تولید می‌شوند و شیوه تولید آنها به قابلیتشان برای انتقال محتویات مشخص بستگی دارد. از نخستین پژوهش‌های نشانه‌شناسی معماری ایران می‌توان به مقاله‌ای در کتاب «نظریه و عمل» اشاره کرد که به نشانه‌شناسی میدان نقش جهان پرداخته است (سجودی، ۱۳۸۸). فرزانه سجودی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن» به تشریح نشانه‌شناسی لایه‌ای به‌عنوان یکی از انواع نشانه‌شناسی پرداخته است در این پژوهش در نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم نشانه به‌دنبال مفهوم متن می‌آید و متن طرح حاصل هم‌نشینی بین لایه‌ها است. لایه‌هایی که هر کدام بر اساس انتخاب از آن

رمزگان در کنشی ارتباطی، امکان محقق شدن پیدا می‌کند.

امیرعلی نجومیان (۱۳۸۷) در تحلیل نشانه‌شناختی از خانه‌های تاریخی کاشان به مواردی همچون نشانه‌شناسی ساختارگرا و پساساختارگرا به همراه نشانه‌شناسی فرهنگی اشاره دارد. دباغ و مختاباد امرایی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «چهارچوب نوین برای خوانش مساجد تهران معاصر» به تبیین مدل نشانه‌شناختی از طریق متن معماری و خوانش معماری از طریق نشانه‌شناسی مسجد مبادرت ورزیده‌اند. در مقاله «آفرینش شاعرانه در فضای شهری» به واکاوی نشانه‌شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز پرداخته شده است و مؤلفه‌هایی همچون نشانه‌شناسی فضای شهری، آفرینش شاعرانه و صنایع ادبی را مورد مذاقه قرار گرفته است (سرمستانی؛ فروتن و طهوری، ۱۳۹۷). علیرضا غفاری (۱۳۹۶) در تحلیل نشانه‌شناختی بافت تاریخی کرمان برپایه ارتباط لایه‌های متن - بافت به مؤلفه‌هایی همچون متن معماری، مناسبت هم‌نشینی و جان‌نشینی، نشانه‌شناسی بافت شهری و لایه‌های متن - بافت اشاره می‌کند. در پژوهشی دیگر با عنوان «برج مسکونی در قاب سینما: واکاوی نشانه‌شناختی ساختمان‌های بلند مسکونی در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران» به بررسی چگونگی امکان بهره‌مندی از روش‌های تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی آثار معماری و جستجوی رویه‌ای برای دریافت معنای پرداخته شده است که بیانگر تأثیر بافت فرهنگی - اجتماعی جامعه مخاطب اثر معماری است (امیرسرداری؛ فروتن؛ معظمی و محمدی، ۱۳۹۸). پناهی و رحیمی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی نحوه آفرینش فضای معماری» با تأکید بر مفهوم نشانه‌شناسی و بینامتنیت بیان می‌کنند که بینامتنیت و نشانه‌شناسی را می‌توان به‌عنوان روشی برای تحلیل آثار هنری به‌کار برد و معماری به‌عنوان یک اثر هنری را می‌توان متن دانست و برای فهم بهتر فضای معماری همزمان از نشانه‌شناسی و بینامتنیت استفاده کرد.

درمجموع از بررسی پژوهش‌های صورت گرفته این‌گونه بیان می‌شود که روش نشانه‌شناسی به‌عنوان روشی است که امروزه در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است، اما با بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، کمترین پژوهش‌هایی در زمینه نشانه‌شناسی معماری صورت گرفته است، حتی پژوهشی که عیناً به بحث نشانه‌شناختی خانه به‌صورت کامل و مفصل پرداخته شده باشد دیده نشده است. از طرفی در این پژوهش، با بررسی سوابق پژوهش در زمینه معنا و مفهوم خانه، پژوهش‌ها بیشتر به سمت گونه‌شناسی، سبک‌شناسی، اقلیمی بررسی خانه‌های مرکز، شمال و جنوب ایران پرداخته شده و نشانه‌شناختی و تحولات معنایی خانه‌های در

منطقه غرب کشور به خصوص شهر همدان بررسی انجام نگرفته است؛ لذا این پژوهش با در نظر گرفتن این موارد در پی انجام پژوهش جدیدی است تا کاستی‌های ایجاد شده در این زمینه را برطرف نماید. این پژوهش در راستای ارتباط نشانه‌شناسی و معماری، که به دنبال تبیین و خوانش معنای اجتماعی - فرهنگی خانه بر اساس نظریات نشانه‌شناسی و در جستجوی معانی پنهان و ضمنی است.

۳. چهارچوب مفهومی

۳-۱. بررسی معنای اجتماعی - فرهنگی خانه

معنای مکان، یک برداشت عمومی و اولیه در مواجهه با مکان حضور انسان است که پس از حضور مداوم در محیط و نه یک‌باره، تداوم پیدا می‌کند و با قضاوت فردی در مود پیرامون خود شکل قوام یافته به خود می‌گیرد که امکان تعالی و تثبیت آن در هماهنگی انسان با محیط، امکان بهره‌مندی از محیط و سودمندی حضور در آن را به خاطر رضایتمندی کاربران فراهم می‌کند. در واقع معنای مکان برآیندی از عوامل متفاوت در تعامل انسان و مکان است که از طریق پیام‌های عناصر مختلف موجود در مکان نمود پیدا می‌کند (شولتز، ۱۳۸۷).

نگاه معنایی به خانه به‌عنوان یک مکان، سطح بالاتری از معناپذیری مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در فضای شکل گرفته معماری، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. خانه به‌عنوان نهادی با عملکرد چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی به‌دنیای مفاهیم و معانی تعلق دارد و چنانچه افرادی که در آن زندگی می‌کنند، بتوانند معنای حاکم بر آن را ادراک نمایند، می‌توانند با آن محیط ارتباط بهتری برقرار نمایند. در این پژوهش با توجه به اینکه خانه نهادی اجتماعی است، رویکرد علوم اجتماعی که به‌عنوان مهم‌ترین رویکرد در بررسی معنای خانه انتخاب شده است و از این نگاه به تبیین خوانش معنای خانه پرداخته شده است. دل بستن به یک مکان مانند خانه، جنبه سمبلی و رمزی ارتباط بین انسان و مکان (خانه) است که صفاتی درونی از شخص را به یک فضای خاص معماری می‌دهد. این حس تعلق، مبنایی برای ادراک فردی و گروهی در مواجهه با محیط است که به شکل معمول خود در بستر فرهنگی و هویتی یک جمع انسانی روی می‌دهد. پس تعلق به مکان وابسته به احساس و عاطفه هم باشد، در تداوم آن پشتوانه فرهنگی و هویتی را با خود یدک می‌کشد (Altman)

Low, 1993). سکنی گزیدن همواره عملی است جمعی، با این حال اجتماع خانه‌ها در کنار هم، تنها نمود مطلق جامعه نمی باشد. خانه بیش از همه نشانگر آن است که «عضویت اجتماعی» چگونه بر محیط طبیعی، یعنی جایی که زندگی اش در آن به وقوع می‌پیوندد وقوف یافته و توانایی آن را داشته تا دریافت خود را به‌صورت خانه، یعنی به‌صورت شکل فضایی مصنوعی که دورنمای مسکونی را در دسترس قرار می‌دهد.

جدول (۲): دیدگاه نظریه پردازان به معنای خانه از نگاه علوم اجتماعی

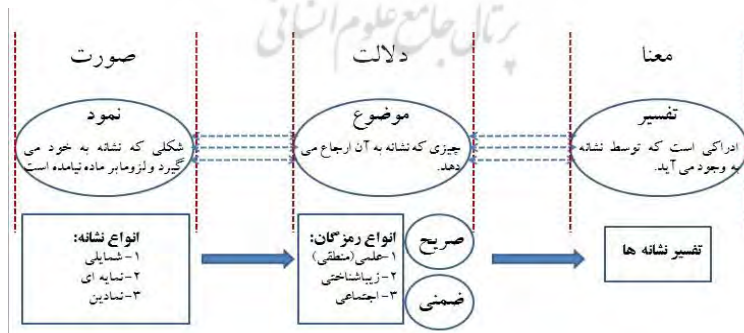
دیدگاه	نظریه پردازان
خانه یک واحد اجتماعی است که در آن پیوندهای قوی فامیلی معنی خانه را شکل می‌دهد.	گانس (۱۹۶۲)
محیط کالبدی انسان ساخت، بیشتر پدیده‌ای اجتماعی است تا فیزیکی	پروشانسکی (۱۹۷۰)
خانه نه تنها یک مکان و ساختار کالبدی است، بلکه بازتاب روانشناختی و معنای اجتماعی نیز دارد.	ساگرت (۱۹۸۵)
خانه یک سیستم اجتماعی - فضایی است که ادغام واحد فیزیکی یا مسکن و واحد اجتماعی یا محل زندگی را نشان می‌دهد.	ساندرز، ویلیامز و گیدنز (۱۹۸۸)
چهار رکن برای خانه قائل شد که عبارت اند از: عوامل کالبدی، زمانی، اجتماعی و فردی.	کنیون (۱۹۹۹)
ارتباط انسان‌ها با خانه‌های خود تحت تأثیر ساختار اجتماعی در کل جامعه است.	کلافام (۲۰۰۵)
معتقد است که ارتباط انسان و محیط می‌تواند بسیار از نحوه ارتباط فعالیت‌ها و معنایی که هر فعالیت دارد، متأثر شود. این بدان معنا است که هر فعالیت می‌تواند بر معنای کلیت مفهوم خانه مؤثر باشد.	مسترز (۲۰۰۹)

در میان رویکردهای مختلف بررسی معنای خانه، این پژوهش توجه به نگاه علوم اجتماعی دارد. یکی از روش‌هایی که از دیدگاه علوم اجتماعی به بررسی معنا می‌پردازد، روش نشانه‌شناسی می‌باشد.

۲-۳. لایه‌های معنایی در معماری

نشانه‌شناسی دانشی است که آثار و نشانه‌ها را چون بخشی از زندگی اجتماعی مورد پژوهش قرار می‌دهد و مطالعه منظم و سامان‌مند همه مجموعه عوامل مؤثر در ظهور و تأویل نشانه‌ها را نشانه‌شناسی می‌نامند. آنچه لازم به ذکر است اینکه نشانه‌ها به‌تنهایی معنادار نیستند و فقط وقتی که در ارتباط با یکدیگرند، تفسیرپذیر می‌باشند (ضمیران،

۱۳۸۳). سوسور نشانه را یک موضوعی فیزیکی و حامل معنا می‌پندارد که از ترکیب دال (تصویر آوایی واژه) و مدلول (تصویر ذهنی و مفهومی واژه) شکل می‌گیرد و از یک ساختار متقابل و همبسته برخوردارند که دلالت خوانده می‌شود. نشانه‌شناسی به‌عنوان یکی از روش‌های واکاوی متن، به‌دنبال واکاوی متون در حکم کلیت‌های ساخت‌مند و در جستجوی معانی پنهان و ضمنی است (چندلر، ۱۳۸۶). هر متن از لایه‌های متعدد و هم‌نشین با یکدیگر تشکیل شده، که دارای پیام‌هایی هستند که درنهایت به رمزگان‌های آن ختم می‌شود. تولید و تفسیر متون به‌وجود رمزگان یا قراردادهای ارتباطی بستگی دارد؛ بنابراین معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته، بستگی دارد. منظور از رمزگان، مجموعه نشانه‌هایی است که میان ارسال‌کننده پیام و دریافت‌کننده آن پیوند برقرار می‌کند. بر اساس طبقه‌بندی پیرس سه نوع رمزگان در دانش نشانه‌شناسی قابل تعریف می‌باشد که عبارت‌اند از: رمزگان علمی (منطقی)، اجتماعی و زیباشناختی (Danesi, 2007). مخاطب (تفسیرگر) از طریق رمزگان‌ها و معانی حاصل از متن و با توجه به عمق و سطح دریافت و برداشت‌های ذهنی خود، مفهوم‌سازی می‌کند. در لایه‌های متن، عناصر منفرد آن در ارتباط دلالت‌های یک به یک و ضمنی، دلالت معنایی عمیق‌تر و شاخص‌تری را تولید می‌کنند. دلالت معنایی شامل زیر دلالت مستقیم و ضمنی، رمزگان موجود در طرح، تفسیر مخاطب، معناسازی برای طرح، بازی دال‌ها، توجه به مفاهیم استعاری و کنایی طرح می‌شود (چندلر، ۱۳۸۶). هم‌زمان با سوسور، پیرس اصطلاح نشانه را مطرح و به معرفی انواع نشانه پرداخت. او فرایند نشانگی را مبتنی بر روابط سه‌گانه: ۱- نشانه (صورت ظاهری)، ۲- تعبیر (معنایی) که از نشانه دریافت می‌شود، ۳- مصداق (ارجاع نشانه به آن) بیان می‌کند (احمدی، ۱۳۸۶).



شکل (۱): ساختار الگوی سه‌وجهی نشانه بر اساس دیدگاه پیرس

در تقسیم‌بندی انواع نشانه‌شناسی که عبارت‌اند از: پوزیتیویستی، ساختارگرایانه، پساساختارگرایانه و پدیدایشی (لایه‌ای) روش این پژوهش با توجه به موضوع از نوع نشانه‌شناسی لایه‌ای می‌باشد. در نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم نشانه به‌دنبال مفهوم متن می‌آید. در واقع امر، متن طرح حاصل هم‌نشینی بین رمزگان‌ها نیست، بلکه حاصل هم‌نشینی بین لایه‌ها است. لایه‌هایی که هر کدام بر اساس انتخاب از آن رمزگان در کنشی ارتباطی، امکان محقق شدن پیدا می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۳). هر طرح معماری را می‌توان به‌عنوان یک متن بیان کرد. معماری به‌عنوان یک متن محصول یک فرایند زایشی است که از برهم‌کنش ایده‌ها، ارزش‌ها، حوزه‌ها و شناخت محیطی مؤلف شکل گرفته و مخاطب در زمان روبه‌رو شده با آن سعی در دریافت پیام متن و با توجه به آموزه‌های ذهنی خود به پردازش و خوانش متن می‌پردازد. کلمه‌های این متن، عناصر ساختاری، ساختمان‌ها، توده و احجام، فضاهای جمعی، فضاهای باز، راه‌های دسترسی و گره‌ها هستند که ضمن وابستگی معنایی به هم یک کلیت واحد را عرضه می‌کنند و از طریق رمزگان علمی (منطقی)، زیباشناختی و اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند؛ بنابراین آنچه در معماری به‌عنوان عامل معنا ساز نشانه قابل شناسایی است، در هر سه قالب شمایل، نمایه و نماد می‌تواند نمود یابد.

در معماری سه سری (سه دسته سامانه) با یکدیگر گره می‌خورند.

دسته اول: سامانه مبتنی بر مقتضیات اجتماعی.

دسته دوم: سامانه مبتنی بر مقتضیات کارکردی.

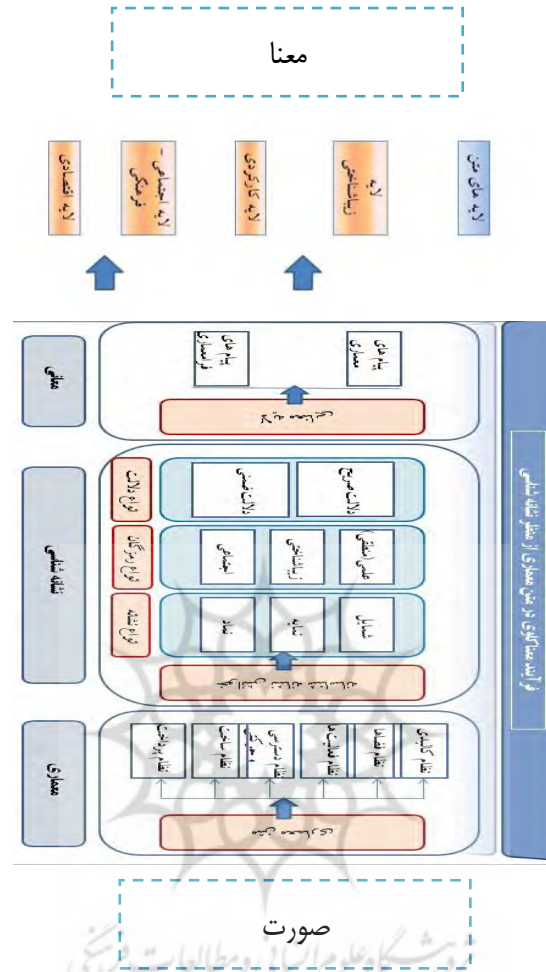
دسته سوم: سامانه مبتنی بر فرم معماری و مسائل پیرامون آن.

دسته اول رویکردی فرامعماری داشته و پیرامون مسائل جامعه‌شناسی، فرهنگ، انسان‌شناسی، لایه ارتباطی معماری را تشکیل داده‌اند. دو سیستم دیگر از جنس معماری و فضای آن می‌باشند. معنا سازی معماری از برهم‌کنش این سه حادث می‌شود.

خانه نیز به‌عنوان یک متن از لایه‌های متعددی تشکیل شده است که هر یک نمود عینی و متنی یک نظام رمزگان هستند و هر لایه متنی با لایه‌های متنی دیگر رابطه دارد. لایه‌های متنی خانه در تعامل با یکدیگر و در تأثیر متقابلی که از هم می‌پذیرند، به‌عنوان متن و عینیت ناشی از یک نظام دلالت‌گر تحقق می‌یابند و تفسیر می‌شوند. باز نمود اندیشه‌های نشانه‌شناسی در واکاوی متن معماری، هر متن به حامل پیام و یا مجموعه‌ای از رمزگان‌ها بوده که به‌وسیله روابط دلالتی و روابط

درون متنی به مخاطب انتقال داده می‌شوند. مخاطب نیز با توجه به شبکه شکل‌دهنده متن، لایه‌ها، روابط درون متنی و از طریق قراردادهای اجتماعی و فرهنگی و برداشت‌های ذهنی خود، به دریافت و رمزگشایی و معناسازی برای متن، همت می‌گمارد. نشانه‌های طرح از طریق رمزگان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی و... در طرح معماری جای دارند. با توجه به چرخه تفسیر در فرایند نشانگی، نقش نشانگی و نظام نشانگی، متن معماری دارای چندین نظام نشانگی می‌باشد که به صورت روابط هم‌نشینی و هم‌زمانی با یکدیگر، متن لایه‌گون معماری را شکل می‌دهند. این نظام‌ها به وسیله روابط دلالتی و روابط درون‌متنی، پیام‌ها و مجموعه‌ای رمزگان خود را به مخاطب انتقال می‌دهند. دلالت‌ها هم به عنوان شیوه اتصال بین صورت و معنا نمود پیدا می‌کنند و نقش ارتباطی بین آنها می‌باشند. درنهایت با جمع‌بندی مطالب ارائه شده و بررسی آنها، به یک مدل ارزیابی در جهت خوانش متن معماری از منظر نشانه‌شناسی به دست می‌آید که به عنوان فرایند معناکاوی در متن معماری مطرح می‌شود که عبارت‌اند از:





شکل (۲): فرایند معناکاوی متن معماری از منظر نشانه‌شناسی

۳-۳. معرفی نمونه‌های انتخاب‌شده

شهر همدان یکی از شهرهای غربی و کوهستانی ایران و مرکز شهرستان و استان همدان است. این شهر در دامنه کوه الوند و در بلندای ۱۹۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است و از شهرهای سردسیر ایران به‌شمار می‌آید. همدان قدیمی‌ترین شهر ایران و از کهن‌ترین شهرهای جهان است. در سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای همدان را «پایتخت تاریخ و تمدن ایران» اعلام کرد. هم‌اکنون استان همدان به دلیل داشتن مراکز تاریخی و دیدنی به‌عنوان پنجمین شهر فرهنگی و توریستی

کشور شناخته می‌شود. همدان به‌عنوان یکی از کهن‌ترین پایتخت‌های ایران، از قدمت چند هزارساله‌ای برخوردار است، اما آثار باقیمانده در آن از دوره قاجار و پس از آن است. در این میان بیشتر این آثار خانه‌ها هستند. براین اساس نمونه‌های انتخاب شده از سه بازه زمانی دوره قاجار، پهلوی و معاصر که به‌ترتیب خانه نراقی مربوط به دوره قاجار و خانه عبادی مربوط به دوره پهلوی و خانه امدادیان مربوط به دوره معاصر انتخاب شده است.



منبع: (کندلیس، ۱۹۷۳)

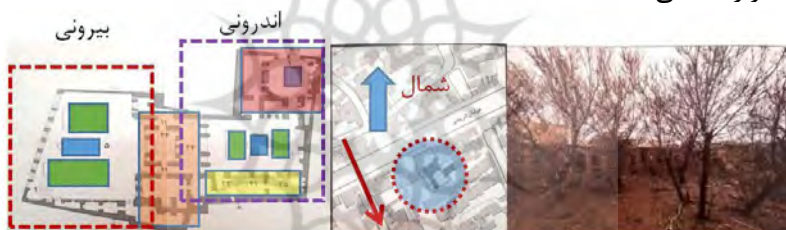
شکل (۳): موقعیت محله‌های شهر همدان در سال ۱۳۳۵

۳-۴. واکاوی نمونه خانه‌ها

از آنجاکه درک معانی فضاها و کشف رمزگان به‌کاررفته در آن نیاز به شناخت جامعه‌ای دارد که محیط ساخته شده در آن تجلی یافته است، با بررسی نشانه‌ها در نمونه‌های مورد مطالعه و جامعه آماری بررسی شده می‌توان به معانی آن نشانه‌ها دست یافت. لذا بر پایه شکل ۳ حاصل از مبانی نظری بررسی شده، نمونه‌ها با توجه به رویکرد نشانه‌شناسی در معماری در دو لایه معماری و فرامعماری، مسیر شناخت متن معماری به‌صورت مطالعه کتابخانه‌ای و با توجه به اسناد موجود در تحقیقات انجام شده و بازدیدهای میدانی مطالعه و بررسی شد و نتایج حاصل از مقایسه تطبیقی در جداول گردآوری شده است. با توجه به اینکه پژوهش به‌دنبال تبیین خوانش معنای اجتماعی - فرهنگی خانه می‌باشد، بررسی‌های صورت‌گرفته بر روی نمونه‌های انتخاب شده مربوط به قسمت لایه‌های اجتماعی - فرهنگی متن خانه است.

۳-۴-۱. بررسی خانه نراقی همدان

بافت محله‌ای که بنا در آن واقع شده است، به صورت کوچه‌های پرپیچ‌وخم، گذرهای بن‌بست و با کوچه‌های دردار است. ابعاد و اندازه مسیر و کوچه‌های محله بر اساس مقیاس انسانی تعریف شده است. جاگیری بنا در بافت به صورت ارگانیک می‌باشد که از چند جهت با پلاک‌های همجوار احاطه شده است. خانه نراقی دارای بخش ساخته شده تنها در چهار جبهه حیاط می‌باشد؛ لذا در قالب الگوی خانه‌های چهار طرفه قرار می‌گیرد. توجه به جداره داخلی بنا نسبت به جداره بیرونی آنکه این نشان از آن دارد که بنا از نوع گونه درونگرا می‌باشد. حیاط، محور و اساس ارتباطات درونی بنا را شکل می‌دهد. نقش حیاط خانه به‌عنوان محیطی با نشاط و آرامش‌بخش، مخزن نوری برای فضاهای داخلی، تنفس‌گاه خانه، سازمان‌دهنده فضاهای خانه و ارتباط‌دهنده کلیه فضاها با یکدیگر می‌باشد. ارتباط حیاط با فضای زیستی، به صورت غیرمستقیم و از طریق ایوان و فضای واسط راهرو صورت پذیرفته و نقش فیلتر را ایفا می‌کند.



شکل (۴): جاگیری و هندسه خانه نراقی در بافت (واحد همسایگی)

فضاهای بسته در بنای مورد نظر به سه بخش زیستی، زیستی - خدماتی و خدماتی قابل تقسیم می‌باشند. فضاهای زیستی بنا از نظر عملکردی بسیار منعطف‌اند و در ساعات مختلف شبانه روز عملکردهای متنوعی را می‌پذیرند. ابعاد و اندازه اتاق‌ها متناسب با مقیاس انسانی و همچنین تأکید اندازه فضای داخلی بر اساس قواره‌بندی فرش می‌باشد. در طبقه همکف، فضای خدماتی مطبخ نیز استقرار دارد. مطبخ در محلی کم‌نور، دودزده و خالی از تزیین‌ها می‌باشد. حمام در خارج از بنا قرار دارد و اهالی خانه جهت استحمام از حمام عمومی استفاده می‌کنند.



شکل (۵): فضای درونی خانه نراقی

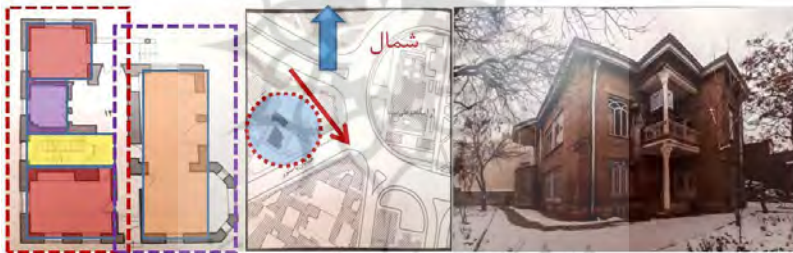
ورودی بنا به صورت عقب‌نشینی از گذر و به‌عنوان کنترل‌کننده ارتباط داخل و خارج بنا است. دو سکو در طرفین ورودی به جهت برقراری ارتباط با همسایگان و محله‌ای استراحت دارد، همچنین باعث ایجاد فضای مناسبی برای بدرقه و پیشواز می‌باشد. درب ورودی دارای دو کوبه مردانه و زنانه جهت اطلاع افراد ساکن خانه می‌باشد. بنا دارای سلسله‌مراتبی است که از فضای عمومی شروع شده به فضای نیمه عمومی رسیده و سپس نیمه خصوصی و در نهایت به خصوصی می‌رسد. با ایجاد فضاهای بینابینی (عبوری) نیز، سلسله‌مراتب فضایی داخلی در بنا به‌وجود آمده است. ارتباط خانه با طبیعت جدا نمی‌باشد. طبیعت با حضور آب و گیاه و جریان باد در آن بر اهل خانه عرضه می‌شود و می‌توان طبیعت را در حریم خصوصی از نزدیک تجربه کرد.



شکل (۶): نما و تزیین‌های به‌کار رفته در خانه نراقی

۳-۴-۲. بررسی خانه عبادی همدان

بافت محله‌ای که بنا در آن واقع شده است، به صورت کوچه‌های که نسبتاً به صورت یکسان و گذرهای پهن است. ابعاد و اندازه مسیر و کوچه‌های محله نسبتاً بر اساس مقیاس انسانی تعریف شده است. جاگیری بنا در بافت به صورت نسبتاً ارگانیک (نیمه تعریف شده) می‌باشد که از چند جهت با پلاک‌های همجوار احاطه شده است. خانه عبادی دارای بخش ساخته شده در داخل حیاط و حیاط چهار طرف بنا را احاطه کرده است. این نوع بنا در قالب الگوی خانه‌های کوشکی قرار می‌گیرد. توجه به هر دو جداره داخلی و جداره بیرونی بنا که این نشان از آن دارد که بنا از نوع گونه التقاطی (درون‌گرایی و برون‌گرایی) می‌باشد. حیاط، نسبتاً به‌عنوان محور و اساس ارتباطات درونی بنا را شکل می‌دهد. نقش حیاط خانه به‌عنوان محیطی با نشاط و آرامش‌بخش، مخزن نوری برای فضاهای داخلی، نسبتاً تنفس‌گاه خانه و به صورت کم‌رنگ، ارتباط‌دهنده کلیه فضاها با یکدیگر می‌باشد. ارتباط حیاط با فضای زیستی، به صورت مستقیم و از طریق فضای واسط راهرو صورت پذیرفته و نقش فیلتر را ایفا می‌کند. و همچنین قرارگیری پله در داخل بنا جهت ارتباط عمودی می‌باشد.



شکل (۷): جاگیری و هندسه خانه عبادی در بافت (واحد همسایگی)

فضاهای بسته در بنای مورد نظر به سه بخش زیستی، زیستی - خدماتی و خدماتی قابل تقسیم می‌باشند. فضاهای زیستی بنا از نظر عملکردی نسبتاً منعطف و بر اساس نوع تعریف فضا دارای عملکرد می‌باشند. ابعاد و اندازه اتاق‌ها ترکیبی از تناسب‌های انسانی و مبلمان داخلی فضاها می‌باشد و همچنین تأکید اندازه فضای داخلی بر اساس قواره‌بندی فرش و مبلمان می‌باشد. در طبقه همکف، فضای خدماتی مطبخ نیز استقرار دارد. قرارگیری مطبخ در محلی با نور و جزء فضاهای اصلی بنا و همچنین استفاده از داکت‌هایی جهت تهویه در مطبخ بنا قرار دارد. توجه به بهداشت باعث ورود حمام به داخل بنا و همچنین استفاده همزمان از حمام عمومی وجود دارد.



شکل (۸): فضای درونی خانه عبادی

ورودی بنا به صورت عقب‌نشینی از گذر و به‌عنوان کنترل‌کننده ارتباط داخل و خارج بنا است. دو سکو در طرفین ورودی به جهت برقراری ارتباط با همسایگان و محله‌ای استراحت دارد، همچنین باعث ایجاد فضای مناسبی برای بدرقه و پیشواز می‌باشد. درب ورودی دارای دو کوبه مردانه و زنانه جهت اطلاع افراد ساکن خانه می‌باشد. حرکت از برون به درون بر اساس سلسله‌مراتبی از فضاهای عمومی تا خصوصی و همچنین اتصال فضاهای اصلی به یکدیگر و حذف فضاهای بینابینی (عبوری)، که این امر سبب کم‌رنگ شدن سلسله‌مراتب فضایی داخلی در بنا شده است. ارتباط خانه با طبیعت جدا نمی‌باشد. طبیعت با حضور آب و گیاه و جریان باد در آن بر اهل خانه عرضه می‌شود و می‌توان طبیعت را در حریم خصوصی از نزدیک تجربه کرد. در داخل فضاهای بسته نیز، ارتباط با طبیعت از طریق وجود چشم‌انداز از اتاق‌ها به حیاط همچنان برقرار می‌ماند.

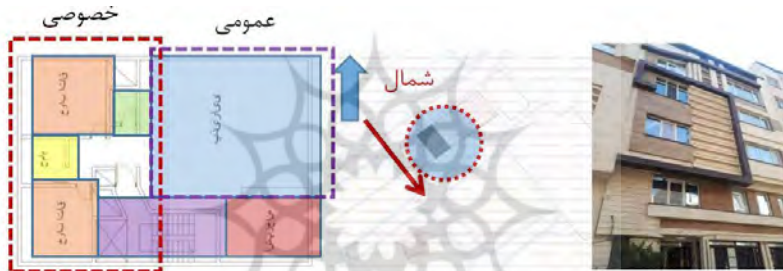


شکل (۹): نما و تزئین‌های به‌کار رفته در خانه عبادی

۳-۴-۳. بررسی خانه امدادیان

بافت محله‌ای که بنا در آن واقع شده است، به‌صورت کوچه‌های که به‌صورت یکسان و

گذرهای ماشین‌رو می‌باشد. ابعاد و اندازه مسیر و کوچه‌های محله نسبتاً بر اساس تردد خودرو تعریف شده است. جاگیری بنا در بافت به صورت یکپارچه و تعریف شده می‌باشد که از چند جهت با پلاک‌های همجوار احاطه شده است. جهت‌گیری بخش ساخته شده بنا در جبهه شمالی زمین واقع شده و جهت‌گیری اصلی بنا رو به جنوب شرقی می‌باشد. توجه به جداره بیرونی بنا که این نشان از آن دارد که بنا از نوع گونه برون‌گرا می‌باشد. نقش حیاط خانه به‌عنوان مخزن نوری برای فضاهای داخلی، نسبتاً محیطی با نشاط و آرامش‌بخش و تنفس‌گاه خانه می‌باشد. ارتباط حیاط با فضای زیستی، به صورت مستقیم و از طریق فضای واسط راهرو صورت پذیرفته و نقش فیلتر را ایفا می‌کند. همچنین قرارگیری پله در داخل بنا جهت ارتباط عمودی می‌باشد. تراس (بالکن) در بنا نقش ایوان را ایفا می‌کند و به‌عنوان ارتباط‌دهنده فضای بسته و فضای باز می‌باشد.



شکل (۱۰): جاگیری و هندسه خانه امدادیان در بافت (واحد همسایگی)

فضاهای بسته در بنای مورد نظر به سه بخش عمومی، خصوصی و خدماتی قابل تقسیم می‌باشند. ابعاد و اندازه اتاق‌ها بر اساس مبلمان داخلی فضاها می‌باشد و همچنین تأکید اندازه فضای داخلی بر اساس چیدمان مبلمان می‌باشد. فضای خدماتی آشپزخانه (مطبخ) در داخل بنا استقرار دارد. قرارگیری آن در محلی با نور و جزء فضاهای اصلی بنا و همچنین استفاده از تجهیزات مکانیکی جهت تهویه در آشپزخانه بنا قرار دارد. توجه به بهداشت باعث ورود حمام به داخل بنا شده است.



شکل (۱۱): فضای درونی خانه امدادیان

ورودی بنا به صورت عقب‌نشینی از گذر و به‌عنوان کنترل‌کننده ارتباط داخل و خارج بنا است. ارتباط مستقیم ورودی به فضاهای داخلی باعث عدم ارتباط با واحد همسایگی شده است. درب ورودی یکسان و قرارگیری آیفون جهت اطلاع به اهالی خانه می‌باشد. حرکت از برون به درون بدون توجه به سلسله‌مراتب عبوری و عبور از فضاهای عمومی به خصوصی و وجود راهروهای ارتباطی جهت جداسازی قلمروهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی در بنا می‌باشد. ارتباط خانه با طبیعت کم‌رنگ می‌باشد. طبیعت با حضور آب و گیاه و جریان باد در آن بر اهل خانه عرضه می‌شود و می‌توان طبیعت را در حریم خصوصی از نزدیک تجربه کرد.



شکل (۱۲): نما و تزیین‌های به‌کار رفته در خانه امدادیان

به جهت درک رابطه میان عناصر به‌کار رفته، فضاهای ساخته شده (دال) و سنجش معنای دریافت شده توسط مخاطب (مدلول) پس از بررسی عوامل فردی، اجتماعی و محیطی در کلیه فضاهای نمونه‌های مورد بررسی و ارزیابی عوامل معنایی بر اساس نشانه‌های موجود در آنها، بر اساس مدل ارزیابی در جهت خوانش متن معماری از منظر نشانه‌شناسی به‌دست‌آمده که به‌عنوان فرایند معناکاوی در متن معماری مطرح شده است که در شکل ۲ نمایش داده شده است. در طول دوران مختلف، معماری تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است؛ لذا تحلیل معماری بر پایه دانش نشانه‌شناسی بدون در نظر گرفتن عوامل مختلف فرامعماری و معماری امکان‌پذیر نمی‌باشد. در این پژوهش رویکرد نشانه‌شناسی در معماری در دو لایه (لایه معماری و فرامعماری) تعریف شد. لایه فرامعماری برگرفته از جامعه و پارامترهای فرهنگی و اجتماعی است و لایه معماری به ساختار معماری می‌پردازد. در واقع جهت خوانش هر اثر معماری بررسی لایه فرامعماری به جهت شناخت روش زندگی مؤثر از شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان و تأثیر آن بر لایه معماری و نشانه‌های انتخابی در هر دوره ضروری می‌باشد. در این قسمت به تحلیل لایه‌های متن معماری که در این پژوهش به بررسی مباحث اجتماعی - فرهنگی که زیرلایه فرامعماری می‌باشد و از آن پیام معنایی فرامعماری استنباط می‌شود پرداخته شده است. هر کدام از این پیام‌ها در قالب رمزگانی ارائه می‌شوند و مخاطب به‌دنبال رمزگشایی این پیام‌هاست تا بتواند متن معماری را قرائت کرده و برای آن معنا بسازد. طراح هر طرح و متن معماری را با توجه به قراردادهای و در حیطه ادبیات جامعه خود رمزگذاری می‌کند. مخاطب با ژرف‌نگری در لایه‌های متعدد طرح (لایه‌های کارکردی، اقتصادی، زیباشناختی، اجتماعی، فرهنگی و لایه هرمنوتیکی) و دریافت روابط به معناسازی برای آن می‌پردازد. جدول ذیل بیان‌کننده ویژگی‌های خانه‌های دوره قاجار، پهلوی و معاصر و نشانه متناسب با آن بر اساس لایه‌های فرامعماری که به مباحث فرهنگی، اجتماعی پرداخته شده است، می‌باشد.

جدول (۴): بررسی لایه‌های معنایی نمونه‌های انتخابی

پیام	نشانه	نمونه‌ها بازه زمانی	شاخص	زیر لایه‌ها	لایه
- توجه به ارزش‌های دینی و معنوی - پنهان‌سازی درون خانه در راستای حفظ حریمت خانه - اعتقاد داشتن به سنت، مذهب و باورهای جامعه	- دیوارهای بلند و بدون گشودگی به بیرون (درون‌گرایی) - تقسیم فضاها به اندرونی و بیرونی - طراحی بر اساس فرهنگ و سبک زندگی جامعه	دوره قاجار	ایدئولوژی	اجتماعی - فرهنگی	فرامعماری
- کم‌رنگ شدن توجه به ارزش‌های معنوی و توجه به نگرش‌های غرب‌گرا - نمایان ساختن درون خانه - کم‌رنگ شدن باورها و اعتقادات	- توجه هم‌زمان به درون و بیرون نما (التقاطی) - وجود هم‌زمان اندرونی و بیرونی - طراحی بر اساس فرهنگ جامعه و همچنین ورود فرهنگ بیگانه	دوره پهلوی و بیرونی			
- توجه به ارزش‌های دنیوی و عرفی جامعه - کاهش پنهان‌سازی و نمایش خویش - تحت تأثیر فرهنگ جهانی شدن و مدگرایی	- توجه به نمای خارجی و وجود پنجره‌های کشیده و شفافیت در نما (برون‌گرایی) - طراحی بر اساس سبک‌های جدید، مصالح و فناوری روز	دوره معاصر			
- انجام تمامی فعالیت‌ها و مناسبات خانواده - پدرسالاری در خانه و تمامی فعالیت زیر نظر مرد خانه	- فضای خانه قابلیت استفاده و عملکرد فردی و اجتماعی - فضای خانه مکانی برای استراحت مرد و محل کار زن تعریف شده است.	دوره قاجار		سنت	
- انجام تمامی فعالیت‌ها و مناسبات خانواده - مدیریت همزمان پدر و مادر خانه	- فضای خانه قابلیت استفاده و عملکرد فردی و اجتماعی - فضای خانه مکانی برای استراحت و کار مرد و زن تعریف شده است.	دوره پهلوی			

پیام	نشانه	نمونه‌ها بازه زمانی	شاخص	زیرلایه‌ها	لایه
- خانه به‌عنوان مکان استراحت - اعضای خانه - توجه به نظرهای تمامی - اعضای خانه و خانواده‌سالاری	- فضای خانه قابلیت استفاده فردی دارد. - فضای خانه مکانی برای استراحت اهالی خانه (خانواده)	دوره معاصر			
- خانه به‌عنوان محل دائم زندگی - عدم وجود نقش دولت در زمینه خانه‌سازی - استفاده همزمان چندین خانوار با طیف متفاوت سنی در خانه - افزایش ارتباط میان اعضاء خانواده و اطرافیان - تقسیم وظایف زنان در خانه و مردان در بیرون	- طراحی بر اساس نیازهای حال و آینده - فضاهای متعدد و اتاق‌های زیاد جهت برگزاری مراسم مختلف - طراحی خانه بر اساس سنت‌ها، روش‌های فردی و نیاز کارفرما چند کاربردی بودن فضاها - تنوع فضاها و ازدیاد اتاق‌ها	دوره قاجار			
- خانه به‌عنوان محلی برای زندگی و رفع نیاز روزمره - توجه دولت بر شیوه زندگی خانواده - استفاده تک خانوار در خانه و مستقل شدن و جدانشدن افراد ازدواج کرده خانواده - کم‌رنگ شدن ارتباط اجتماعی اعضاء خانواده و اطرافیان - حضور فعالیت زنان در بیرون خانه	- طراحی بر اساس نیازهای حال و در صورت امکان به آینده - فضاهای نسبتاً متعدد و اتاق‌های نسبتاً زیاد جهت برگزاری مراسم مختلف - طراحی خانه بر اساس ترکیبی از سنت‌ها و نگرش‌های غربی، روش‌های فردی و نیاز کارفرما و دولت - محدود شدن کاربری فضاها - کاهش تنوع فضاها و اتاق‌ها	دوره پهلوی	ساختار خانواده		
- خانه به‌صورت موقت و رفع نیاز روزمره - تأثیر سیاست دولت بر تعداد فرزندان و خانه‌دار کردن خانوارها	- طراحی خانه بر اساس برآوردن نیازهای حال - تعداد فضای محدود - زندگی مستقل و آپارتمان نشینی	دوره معاصر			

پیام	نشانه	نمونه‌ها بازه زمانی	شاخص	زیر لایه‌ها	لایه
- تأثیر قوانین و ضوابط شهری - استفاده تک‌خانوار در خانه و مستقل شدن و جداسدن افراد از دواج کرده خانواده - کاهش ارتباط اجتماعی و محدود شدن روابط اعضا خانواده - تقسیم وظایف مشترک بین زنان و مردان در خانه و بیرون	- الگو بر اساس تعداد خواب ساکنین به صورت مستقل				

۴. روش پژوهش

روش پژوهش بر اساس مدلی که دانایی فرد و همکاران در سال ۱۳۸۳ ارائه کرده‌اند بیان شده است. این الگوی چندلایه، فرایندهای انجام پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس این مدل، یک پژوهش از لایه‌های مختلفی تشکیل می‌شود که در آن هر لایه متأثر از لایه بالاتر است.

جدول (۳): روش پژوهش بر اساس مدل ساندرز

نوع پژوهش	لایه پژوهش
پارادایم تفسیرگرا	فلسفه پژوهش
نظری	جهت‌گیری پژوهش
تطبیقی	رویکرد پژوهش
کیفی	روش‌شناسی پژوهش
میدانی و کتابخانه‌ای	روش گردآوری داده
تحلیل محتوا - کیفی (شیوه تحلیل نشانه‌شناسی)	راهبرد پژوهش
توصیفی - تحلیلی	اهداف پژوهش
مشاهده - اسناد و مدارک	ابزار گردآوری داده

جامعه آماری در این پژوهش، خانه‌های شهری همدان و روش نمونه‌گیری بر اساس معیارهای دسته‌بندی شده از چارچوب نظری می‌باشند و حجم نمونه‌ها نیز بر اساس آثار باقیمانده از دوره قاجار به بعد و همچنین گونه‌های ساخت بنا که در قالب سه‌گونه درون‌گرا، التقاطی (ترکیبی از درون‌گرایی و برون‌گرایی) و برون‌گرایی که همه

معیارها را پوشش می‌دهد، انتخاب شده است. برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش از نشانه‌شناسی لایه‌ای استفاده شده است. در نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم نشانه به دنبال مفهوم متن می‌آید. در واقع امر، متن - طرح حاصل هم‌نشینی بین رمزگان‌ها نیست، بلکه حاصل هم‌نشینی بین لایه‌ای است. لایه‌هایی که هر کدام بر اساس انتخاب از آن رمزگان در کنشی ارتباطی، امکان محقق شدن پیدا می‌کنند. طرح معماری به عنوان یک مفهوم تکراری، در هر لایه طرح معماری، متنی در کنش متقابل با لایه‌های متنی دیگر است. هر لایه از طرح معماری می‌تواند دامنه متن‌بودگی خودش را گسترش دهد. هر لایه نمود عینی و متنی یک نظام رمزگان است. هر لایه متنی با لایه‌های متنی دیگر ارتباط دارد. لایه متنی در تعامل با سایر لایه‌ها و همه لایه‌ها در تأثیرپذیری متقابل از هم هستند؛ زیرا، لایه متنی به عنوان متن و عینیت ناشی از یک نظام دلالت‌گر تحقق می‌یابد و به همین منوال تفسیر می‌شود. لایه‌های متن معماری را می‌توان در دو دسته کلی، لایه‌های معماری و لایه‌های فرامعماری تقسیم‌بندی کرد که لایه‌های معماری به ساختار، فرم و حجم، رابطه فضایی، سیر کلاسیون و درنهایت پیکره‌بندی معماری می‌پردازد که از آنها پیام‌های کالبدی دریافت می‌گردد و لایه‌های فرامعماری به مباحث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پرداخته می‌شود که از آنها پیام‌های فرامعماری استنباط می‌گردد.

۵. یافته‌های پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها بوده است که معنای اجتماعی - فرهنگی خانه چه می‌باشد و چگونه می‌توان آن را فهمید؟ چه تحولات معنایی اجتماعی - فرهنگی از خانه‌های شهری سنتی تا معاصر همدان صورت گرفته است؟ در فرایند دستیابی به الگوی خانه امروزی، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

ابتدا به این پرسش که معنای اجتماعی - فرهنگی خانه چه می‌باشد و چگونه می‌توان آن را فهمید؟ پاسخ داده می‌شود که معنای اجتماعی - فرهنگی خانه در دو عامل روابط اجتماعی و فعالیت‌ها خود را نشان می‌دهند که روابط اجتماعی به موارد همسایگی، رابطه درون فرهنگی، رابطه با بافت محله و ارتباط سیاست با ویژگی‌های محیطی خانه و خانواده ارتباط دارند و عامل فعالیت‌ها نیز به عملکرد و کارکرد فضاها و جایگاه افراد در خانه و خانواده مرتبط می‌باشد و در جهت شناخت عوامل اجتماعی - فرهنگی، روش نشانه‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های رویکرد علوم اجتماعی، قابلیت انجام و شناخت معنای اجتماعی - فرهنگی را می‌دهد.

پرسش دیگر، چه تحولات معنایی اجتماعی - فرهنگی از خانه‌های شهری سنتی تا معاصر همدان صورت گرفته است؟ با تحلیل بر روی نمونه‌ها و نگاه بر روی معنای اجتماعی - فرهنگی خانه، دو عامل روابط اجتماعی و فعالیت‌های که در خانه رخ داده است بررسی قرار گرفته است و با مقایسه در سه دوره زمانی قاجار، پهلوی و معاصر، تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی در خانه شهری همدان به دست آمد.

۵-۱. تغییرها در حیطه روابط اجتماعی

در گذشته محلات ایرانی به صورت کوچه‌های پرپیچ‌وخم، گذرهای بن‌بست و با کوچه‌های دردار بوده که افراد ساکن در این محل‌ها روابط اجتماعی قوی با یکدیگر داشتند حتی ساکنان برای انجام کارهای روزانه خود به این محل‌ها می‌آمدند، و به صورت جمعی فعالیت می‌کردند. خانه سنتی در توافق و هماهنگی با دیگر اجزای شهر است و این توافق نه به قانون و اجبار، که به پیروی از اصول واحد که برای یک انسان کامل طراحی شده است، به دست می‌آید؛ اما امروزه با گذر زمان و ورود ماشین‌ها به محل زندگی افراد چنین فضاهایی از بین رفته است و کمتر همسایه‌ای یافت می‌شوند که از احوال هم جویا باشند، مطرح کردن عنوان واحد همسایگی در این طرح نه به معنای مطلق واحد همسایگی غربی بلکه به فضایی متناسب با خصوصیات زندگی جمعی در عین رعایت حریم خصوصی در جامعه امروز و بازنگری به مفهوم محلات و توجه به جامعه نوین ماشینی امروز و رفع نیازهای آن ضمن تقویت روابط و تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد.

در گذشته تکیه اجتماعی فرد بر نهاد خانواده است (قومیت، صنف و گروه اجتماعی) طراحی خانه‌ها بر اساس نیازهای حال و آینده خانواده‌ها صورت می‌گرفت در حالی که امروزه بیشتر تکیه اجتماعی افراد بر دولت است و سیاست دولت بر تعداد فرزندان و خانه‌دار کردن خانوارها تأثیر گذار بود و خانواده از حالت خانوار به تعداد افراد کمتری (۲ نفر یا ۳ نفری) تقلیل یافته است و همچنین قوانین و ضوابط شهری بر طراحی خانه تأثیر می‌گذاشت و طراحی‌ها بر اساس نیازهای حال صورت می‌گرفت.

خانه مکانی است که در اسلام برای آن قواعد خاص وجود دارد که اصلی‌ترین قاعده «اذن دخول» است. علاوه بر آن خانه حرم خانواده است و از این رو حریمیت در آن امری هم شمرده می‌شود. ورودی نیز یکی از با اهمیت‌ترین بخش‌های خانه سنتی است. در خانه‌های سنتی پس از درب ورودی، هشتی قرار دارد که نقش مؤثری در ایجاد سلسله‌مراتب ورود به خانه دارد. ورودی جزو فضاهایی است که می‌تواند

پاسخگوی روابط اجتماعی از نوع روابط فرد با جامعه باشد. عقب‌نشینی ورودی از گذر، از بعد دینی نمایانگر اعتقاد مردم به عدم تجاوز به حقوق دیگران است. اما در خانه‌های معاصر برخی فضاها مانند ورودی همچنان عملکرد و معنای خویش را تا حدی حفظ کرده‌اند. ورودی همچنان به‌عنوان فضایی است که در سامان‌دهی فضا و عمومی و خصوصی بودن فضا نقش دارد؛ اما صرف نزدیکی به آن مانند گذشته معنا نمی‌دهد بلکه نوع دسترسی به آن تعیین‌کننده است.

۵-۲. تغییرها در حیطة فعالیت‌ها

تحولات جامعه زندگی خانواده را نیز تغییر داد. خانواده‌ای که در ابتدای دوران معاصر از خانواده گسترده به هسته‌ای تبدیل شده بود و آن زمان دارای یک رکن اصلی (پدر) و یک رکن فرعی (مادر) بود، با تحولات جامعه دگرگون شد. خانواده جدید دو رکن اساسی داشت. هر دو رکن دارای نقش و جایگاه نسبی اجتماعی بودند. از این‌رو خانه‌ای که تا آن زمان همواره بدون حضور زن نبوده است، به یک‌باره در بازه‌های زمانی از روز بدون حضور او خالی از سکنه شد. خانه‌ای که تمامی ایام پویا و پرجنب و جوش بود، در ساعات معینی از روز مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گرفت. جایگاه فضاهای زنانه نیز تغییر یافته بود. آشپزخانه از کنج تاریک آن حیاط به داخل فضای اصلی زندگی و سپس آرام آرام بدون مرز در زندگی خانواده قرار گرفت. تأسیسات و امکانات رفاهی نیز سبب شد که فضاهای خدمات‌دهنده و خدمات‌گیرنده در کنار هم باشند. فضای مهمان‌خانه رو به دیگر فضاهای خانه باز شد و به آرامی جایگاه ویژه خود را از دست داد. با توجه به آنکه مکان و رویداد به شدت به هم وابسته هستند و این دو در پیوند با یکدیگر خاطرات می‌سازند، بدین ترتیب تغییر آن زندگی که با آیین‌های روزانه و موسمی، خاطرات متعددی را از مکان‌های مختلف خانه ایجاد می‌نمود، به دور از چنین آیین‌هایی بر نحوه ارتباط با خانه‌ها نیز تأثیرگذار بوده است. بدین صورت با خانه و انسان‌های بدون خاطره روبه‌رو می‌شود.



شکل (۱۳): بررسی سیر تحول معنای اجتماعی - فرهنگی خانه از سنتی تا معاصر

پرسش آخر، در فرایند دستیابی به الگوی خانه امروزی، به چه نکاتی باید توجه کرد؟ مدت‌هاست که عدم رضایت ساکنان از سکونت در کالبد مسکن امروزی، متخصصان و حتی مردم عادی را به یادآوری کیفیتی از سکونت در مسکن سنتی واداشته است. کیفیتی که گویا در کالبد مسکن امروزی یافت نمی‌شود. به عبارت بهتر به طور مداوم، خانه سنتی با خانه امروزی مقایسه می‌شود. بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که زندگی امروزی، کاملاً جدا از زندگی گذشته نیست، از این رو نمی‌توان ادعا نمود که خانه‌های امروزی، هیچ‌وجه اشتراکی با خانه‌های گذشته ندارند اما در زندگی امروز کیفیاتی را از دست داده‌ایم و گاهی حتی نمی‌دانیم که آنها چه بوده‌اند و به همین کیفیات زندگی بسنده کرده‌ایم. فراموش کرده‌ایم که چگونه می‌زیسته‌ایم، فراموش کرده‌ایم که خانه فرای مسکن است و کیفیاتی فرای نیازهای جسمانی به ما عرضه می‌کند. فراموش کرده‌ایم تعامل با خانه ما ریشه‌دار می‌کند، فراموش کرده‌ایم می‌توانیم اهل خانه خود باشیم و حتی فراموش کرده‌ایم که این دنیا گذراست. زندگی معاصر ما را در بند خود، فراموش از گذشته کرده است.

دستیابی به ویژگی‌های نهفته درخانه‌های سنتی جهت آسایش، آرامش و حفظ امنیت همواره مورد توجه معماران بوده است. بر همین اساس الگوبرداری ازخانه‌های سنتی می‌تواند یکی از اقدام‌های مؤثر در طراحی الگوی مسکن مناسب در عصر جدید باشد. با توجه به اهمیت نوع طراحی و به‌کارگیری شاخص‌های سازگار با محیط در خانه‌های سنتی و نوع معماری حاکم در آنها، بررسی آنها می‌تواند در طراحی خانه‌های جدید و طراحی مسکن مؤثر باشد؛ چراکه تبعات پیشرفت انرژی و سهولت استفاده از وسایل سرمایش و گرمایش مکانیکی، منجر به افزایش مصرف انرژی و کم‌رنگ شدن نقش کالبد و عناصر معماری در تأمین شرایط آسایش شده است.

نتیجه‌گیری

هر متن یک نظام و شبکه دلالتی را به روی مخاطب می‌گشاید. هر کدام از اجزای این شبکه وسیع به عضوی دیگر اشاره دارند. هر جزء، یک نشانه است که مخاطب را به بازنویسی و بازتولید متن دعوت می‌کند. بنای معماری مشابه یک متن قابل خوانش است و خواندن متن در واقع تأویل نشانه‌های آن توسط یک کاربر فضای معماری می‌باشد. بنابراین معماری هم نوعی زبان است؛ نظامی است از واژه‌های وابسته به هم. اثر معماری شبیه به متن نگارشی و خوانشی است از کلمه‌ها، احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده بنا که دارای وابستگی معنایی به هم می‌باشند. هر اثر معماری با رمزگان‌های زیباشناختی به همراه رمزگان‌های اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند. طرح معماری شبکه‌ای از نشانه‌هاست که به‌طور مجرد واجد معنای خاصی نیستند و فقط در بافتار شبکه‌گون متن دلالت‌گری خود را نشان می‌دهد. طرح معماری از شناخت، تفسیر، تأویل و معناسازی منتج می‌شود که نیازمند روش یا دانشی هست که در قالب نشانه‌شناسی جای می‌گیرد و شامل مراحل شناختن رمز عناصر (شبکه متن) و شناختن روابط عناصر (درون متن) و تأویل معنای متن می‌باشد. نشانه‌شناسی با درک و دریافت پدیده‌های جهان، از طریق خوانش و قرائت نشانه‌های موجود در پدیده‌ها حاصل می‌شود و بر پایه روابط دلالتی برای پدیده‌های اجتماعی به آفرینش و تولید معنا می‌پردازد. کاربرد علم نشانه‌ها به لایه‌هایی فراتر از نشانه‌های ملموس و محسوس، توجه به دلالت‌های ضمنی و کشف ساحت غیابی متن برمی‌گردد. با مبانی نشانه‌شناسی، امکان رسیدن به مدلی تحلیلی از نشانه‌شناسی معماری برای شناخت، ارزیابی و تحلیل معماری وجود دارد؛ مدلی که زمینه دریافت معنا و مفهوم این‌گونه معماری را فراهم کند.

در این پژوهش، سیر تحولات معنای اجتماعی - فرهنگی خانه شهری را با رویکرد معناشناسی بررسی و معنا را در کیفیت‌های مورد توجه، در قالب رویکرد نشانه‌شناسی به‌عنوان یکی از رویکردهای معناشناسی بررسی کرده است. در پایان آنچه می‌توان گفت این است که زندگی هر روز تحولی به خود می‌دید و خانه محل زندگی خصوصی و مقابله با هجمه تحولات بیرونی بود. در این زمان زندگی دوگانه درون و بیرون شکل گرفته بود. با این وجود گرایش به مدرن شدن خانه و خانواده را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. از سویی با به‌وجود آمدن معنای جدید خیابان، خانه‌ها به سمت برونگرایی متمایل شدند و از سوی دیگر با تغییر نقش زنان در جامعه و گسترش آموزش به آنها،

خانواده از جایگاه‌های سنتی خود فاصله گرفت. حرکت ضد دینی جامعه نیز به نوعی باورهای قشرهای مختلف را هدف قرار داد و آنها را دچار تغییر کرد. در ادامه با دگرگونی‌های بیشتر در ارکان خانواده، گرایش به مصرف و بیرون رفتن برخی از فعالیت‌ها از خانه و بسیاری موارد دیگر، موجی از تغییر به درون خانه و خانواده راه یافت. حضور رسانه‌ها و تحولات فرهنگی جامعه از یک سو و تغییرات اقتصادی نیز از سوی دیگر روندی را ایجاد کرد که فرهنگ سکونت ایرانی را از فرهنگ سکونت گذشته خود متفاوت نمود. این تغییر به همراه تغییر فناوری و الگوی ساخت‌وساز منجر به تحولی در عرصه معماری شد. نکته حائز اهمیت این است که تحول معنای اجتماعی - فرهنگی در مورد همه فضاها و فعالیت‌ها به‌طور یکسان اتفاق نیفتاده است، به‌گونه‌ای که در برخی فضاها، معنای خانه به‌کلی تغییر کرده است. در برخی فضاها در امتداد معنای گذشته، معنای جدید شکل تازه‌ای یافته است و در برخی دیگر همان معنای گذشته در فضاها جاری است.

فهرست منابع

- آقالطیفی، آزاده و کلیائی، وحید (۱۳۹۷). خانه‌های تاریخی سنندج، خوانش کالبد از دریچه فرهنگ زیست. نشریه صفا، (۲۸)، ۱۱۱-۱۳۱.
- احمدی، بابک (۱۳۸۶). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- امیرسرداری، یاسر؛ فروتن، منوچهر؛ معظمی، منوچهر و محمدی، مریم (۱۳۹۸). برج مسکونی در قاب سینما؛ واکاوی نشانه‌شناختی ساختمان‌های بلند مسکونی در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران. *نشریه علمی - پژوهشی باغ نظر*، (۷۴)، ۱۷-۳۰.
- پناهی، سیامک و رحیمی، رحیم (۱۳۹۸). *بررسی نحوه آفرینش فضای معماری با تأکید بر مفهوم نشانه‌شناسی و بینامتنیت نمونه موردی موزه یهود برلین، دانیل لیبسکیند*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و بازآفرینی شهری، تهران.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات سوره.
- حائری، محمدرضا (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین فرآیندها و معیارهای طراحی خانه*. تهران: مرکز تحقیقات مسکن و شهرسازی، وزارت راه و شهرسازی.

- حبیب، فرح (۱۳۸۵). کندوکاوی در معنای شکل شهر. نشریه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، (۲۵)، ۵-۱۴.
- حجت، مهدی (۱۳۸۷). درس‌هایی از معماری سنتی ایران، مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات نشر صفا.
- دباغ، امیرمسعود و مختاباد امرایی، مصطفی (۱۳۸۹). تأویل معماری پست مدرن از منظر نشانه‌شناسی. نشریه علمی - پژوهشی هویت شهر، (۹)، ۵۹-۷۲.
- راپاپورت، اموس (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده؛ رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ترجمه فرح حبیب، تهران: نشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن. ترجمه خسرو افضلیان، تهران: انتشارات کسری.
- زارعی، محمدابراهیم؛ حاتمی مجد، فائزه و محمدیان منصور، صاحب (۱۳۹۷). خانه‌های قدیمی همدان. تهران: انتشارات نشر طلایی.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی کاربردی. مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در واکاوی متن هنری. مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی: نظریه و عمل. تهران: انتشارات علم.
- سرمستانی، محمد؛ فروتن، منوچهر و طهوری، نیر (۱۳۹۷). آفرینش شاعرانه در فضای شهری: واکاوی نشانه‌شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز. نشریه علمی - پژوهشی هویت شهر، (۳۴)، ۶۷-۷۸.
- شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۷). معنا در معماری غرب. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: نشر فرهنگستان هنر.
- شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۸). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود امیر یار احمدی، تهران: نشر آگه.
- ضیمران، محمد (۱۳۸۳). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: نشر قصه.
- غفاری، علیرضا (۱۳۹۳). تحلیل ساختار شکل در معماری ایران، از رویکرد نشانه‌شناختی معماری (مطالعه موردی: بازارهای ایران). (رساله دکتری معماری).

- دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
 قلیچ‌خانی، بهنام (۱۳۹۱). *رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه ایرانی در عهد قاجار*.
 (رساله دکتری معماری). دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم
 تحقیقات، تهران، ایران.
- کندلیس، ماندالا (۱۹۷۳م). *نقشه‌های قدیمی شهر همدان*. همدان: انتشارات دانشگاه
 بوعلی سینا.
- کوپر مارکوس، کلر (۱۳۸۲). *خانه نمادی از خویشتن*. ترجمه احمد علیقین، تهران:
 فصلنامه فرهنگستان هنر.
- لنگ، جان (۱۳۸۶). *آفرینش نظریه معماری*. ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات
 دانشگاه تهران.
- محمدی، مریم (۱۳۹۰). *بررسی فرم شهر از منظر نشانه‌شناسی لایه‌های*. مجموعه
 مقالات نشانه‌شناسی مکان به کوشش دکتر فرهاد ساسانی، تهران: نشر سخن.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷). *معماری ایرانی*. تهران: انتشارات سروش دانش.
- نجومیان، امیرعلی (۱۳۸۷). *تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های تاریخی کاشان*. نشریه نامه
 معماری و شهرسازی، سال یکم، (۱).
- نیلندر، اولو (۱۳۹۰). *معماری خانه*. ترجمه محمدصادق فلاحت، زنجان: انتشارات
 دانشگاه زنجان.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۸۱). *شعر، زبان و اندیشه رهایی: مقاله (انسان شاعرانه سکنی
 می‌گزیند)*. ترجمه عباس منوچهری، تهران: انتشارات مولی.
- Danesi, Marcel. (2007). *The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice*, Toronto, University of Toronto Press.
- Eco, U. (1995). *The search for the perfect language*. Blackwell, Oxford, Fontana Press, London.
- Jencks, C. (1977). *The languages of postmodern Architecture*, Academy Edition, London.
- Peirce, CS. (1998). *Pragmatic 7 Pragmatism in Baldwin, JM*, Dictionary of Philosophy & Psychology, Vol II, New York.
- Rappaport, A. (1973). *Australian Aborigines and the Definition of Place in P. Oliver (ed), Shelter, Sign and Symbol*. London.
- Rappaport, A. (1982). *House Form and Culture*, Englewood Cliffs 1969.
- Rappaport, A. R. E. Kantor (1985). *Complexity and Ambiguity in Environmental Design, in American Institute of Planners Journal*.

References

- Agha Latifi, Azadeh. Kilai, Vahid. (2017). Historical houses of Sanandaj, reading the body through the lens of culture, *Safeh Magazine*, (28), 111-131. (In persian)
- Ahmadi, Babak. (2006). Text structure and interpretation, publishing center, Tehran, first edition. (In persian)
- Amirsardari, Yasir. Humble, humble. Moazzami, Manouchehr. Mohammadi, Maryam. (2018). A residential tower in the frame of the cinema; Semiotic analysis of tall residential buildings in the cinema after the Islamic revolution of Iran, *Bagh Nazar scientific-research journal*, (74), 17-30. (In persian)
- Candlesticks, mandalas. Consulting Engineers. (1973). Old maps of Hamedan city, Boali Sina University Publications, Hamedan. (In persian)
- Chandler, Daniel. (2006). Basics of semiotics, (Mehdi Parsa, translator). Soura Publishing House, Tehran. (In persian)
- Cooper Marcus, Clare. (2002). A house is a symbol of oneself, (translated by Ahmad Aligian). *Quarterly magazine of Art Academy*, Tehran. (In persian)
- Dabbagh, Amir Massoud and Mokhtabad Amrai, Mustafa. (2009). Interpretation of post-modern architecture from the perspective of semiotics, *Hoyt Shahr scientific-research journal*, (9), 59-72. (In persian)
- Danai Fard, Hassan. Alwani, Seyyed Mehdi. Azar, Adel. (2003). Qualitative research methodology in management: a comprehensive approach, Safa Publishing House, Tehran. (In persian)
- Danesi, Marcel. (2007). *The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice*, Toronto, University of Toronto Press.
- Eco, U. (1995). *The search for the perfect language*. Blackwell, Oxford, Fontana Press, London.
- Ghaem, Gisu (1995). The common language of housing construction in Iran's past architecture, *Safeh magazine*, 6th year, (22), 22-27. (In persian)
- Ghaffari, Alireza. (2013). Analyzing the structure of form in Iranian architecture, from the semiotic approach of architecture (case study: Iran's markets), doctoral dissertation in architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Department of Research Sciences, Tehran. (In persian)
- Habib, Farah (2005). Hive mining in the meaning of the shape of the city, *Scientific-Research Journal of Fine Arts*, (25), 5-14. (In persian)
- Haeri, Mohammad Reza. (2008). House, culture, nature: architectural investigation of historical and contemporary houses in order to formulate house design processes and criteria, *Housing and Urban Development Research Center*, Ministry of Roads and Urban Development, Tehran. (In persian)
- Hojjat, Mehdi. (2007). Lessons from Iran's traditional architecture, collection of speeches of the first and second consensus on architectural topics, Isfahan, Isfahan Municipal Cultural and Recreational Organization. (In persian)
- Jencks, C. (1977). *The languages of postmodern Architecture*, Academy

- Edition, London.
- Lang, John (2016). Creation of architectural theory, (translated by Alireza Einifar). Tehran University Press, Tehran. (In persian)
- Memarian, Gholamhossein. (2007). Iranian Architecture, Soroush Danesh Publishing House, Tehran. (In persian)
- Mohammadi, Maryam. (2010). Examining the form of the city from the perspective of the semiotics of layers, a collection of articles on the semiotics of place by Dr. Farhad Sasani, Sokhon Publishing House, Tehran. (In persian)
- Najoomian, Amir Ali. (2007). Semiotic analysis of historical houses of Kashan, Journal of Architecture and Urban Development, Year 1, (1). (In persian).
- Nilander, first (2010). Architecture of the house, (translated by Mohammad Sadegh Falahat). Zanjan University Press. (In persian)
- Panahi, Siamak. Rahimi, Rahim. (2018). Examining the way of creating an architectural space with emphasis on the concept of semiotics and intertextuality of the Jewish Museum of Berlin, Daniel Libeskind, Proceedings of the first international conference on civil engineering, architecture and urban regeneration, Tehran. (In persian)
- Peirce, CS . (1998). Pragmatic 7 Pragmatism in Baldwin, JM , Dictionary of Philosophy & Psychology, Vol II, New York.
- Qalichkhani, Behnam (2011). An analytical approach to the evolution of the Iranian house during the Qajar era, doctoral dissertation in architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Department of Research Sciences, Tehran. (In persian)
- Rappaport, A. (1973). Australian Aborigines and the Definition of Place in P.Oliver (ed), Shelter, Sign and Symbol. London.
- Rappaport, A. (1982). House Form and Culture, Englewood Cliffs 1969.
- Rappaport, A. R.E. Kantor . (1985). Complexity and Ambiguity in Environmental Design, in American Institute of Planners Journal.
- Rappaport, Amos (2004). the meaning of the built environment; An approach in non-verbal communication, (translated by Farah Habib). Publication of Urban Processing and Planning Company, Tehran. (In persian)
- Rappaport, Amos. (2008). Anthropology of housing, (translation by Khosrow Afzalian). Kasri Publications, Tehran, second edition. (In persian)
- Sarmastani, Mohammad. Humble, humble. Tahuri, Nair. (2017). Poetic creation in the urban space: semiotic analysis of the urban space of Bagh Boland, Shiraz, Hoyt Shahr scientific-research journal, (34), 67-78. (In persian)
- Schultz, Christian Norberg. (2007). Meaning in Western architecture, (translated by Mehrdad Qayyomi Bidhandi). Art Academy publication. (In persian)
- Schultz, Christian Norberg. (2008). The concept of dwelling: towards an allegorical architecture, (translated by Mahmoud Amir Yar Ahmadi). Agh Publishing, Tehran. (In persian)
- Sojudi, Farzan. (2008). Applied semiotics, articles of the first consensus on

- art semiotics, Tehran: Art Academy. (In persian)
- Sojudi, Farzan. (2008). Layered semiotics and its application in the analysis of artistic text, articles of the first consensus on art semiotics, Tehran: Art Academy. (In persian)
- Sojudi, Farzan. (2008). Semiotics: Theory and Practice, Science Publications, Tehran. (In persian)
- Zarei, Mohammad Ibrahim. Hatami Majed, Faezeh. Mohammadian Mansour, owner. (2017). Old houses of Hamedan, Golden Publishing House, first edition. (In persian)
- Zimran, Mohammad (2003). An introduction to the semiotics of art, Qaseh publishing house, Tehran. (In persian)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی